

بسم الله الرحمن الرحيم

www.ketab.ir

☐ اسلام و تجدد در مصر

موضوع: اندیشه سیاسی: ۱۱۳ (سیاسی - اجتماعی: ۲۶۴)

گروه مخاطب: گروه تخصصی (طلاب، دانشجویان، پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۱۶۲

مسلسل انتشار (چاپ اول و با چاپ): ۵۶۵۲

کتاب‌های دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام / ۵۴

آفاجانی، نصرالله، ۱۳۴۵ -

اسلام و تجدد در مصر: با رویکردی انتقادی به اندیشه حسن حنفی / نصرالله آفاجانی؛ تهیه دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۲.
[۵۰۰ ص. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۲۱۶۲. کتاب‌های دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام: ۵۴) (سیاسی - اجتماعی: ۲۶۴. اندیشه سیاسی: ۱۱۳)]

ISBN 978-964-09-1432-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیا.

ن. ع. به انگلیسی: Nasrollah Aghajani. Islam and modernity in Egypt With a critical approach to thoughts of Hasan Hanafi

کتاب‌نامه: ص. [۴۶۹] - ۴۸۰: همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. اسلام - مصر - تجدد حیات فکری. ۲. تجددگرایی (اسلام) - مصر. ۳. حنفی، حسن، ۱۹۳۵ - نقد و تفسیر. ۴. اصلاح‌طلبان - مصر. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب. ج. عنوان. د. عنوان: با رویکردی انتقادی به اندیشه حسن حنفی.

۲۹۷ / ۴۸

۵ الف ۲۲۹ / ۱۷ BP

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۱۷۳۸۶

۱۳۹۲

اسلام و تجدد در مصر

با رویکرد انتقادی به اندیشه حسن حنفی

نصرالله آقاجانی

تهیه: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

بوستان کتاب
۱۳۹۲

چکیده

تجدد و تدوین‌تیه در دنیای غرب بر مبنای گسست از دین و کلیسا و ستیز با اندیشه‌ها و باورهای غیر تجربی پدید آمد و با دنیاگرایی، انسان‌محوری، تجربه‌گرایی و نفی قداست از چهره عالم و آدم، در پی سیطره هر چه تمام‌تر بر همه عرصه‌های معرفتی، سیاسی و کیهانی بوده است. چنین رویکردی با ورود خود به دنیای اسلام چالش‌های گوناگونی را پدید آورد. مسئله تجدد پدیده‌ای تأثیرگذار بر زیست اجتماعی و معرفتی ما است. پی‌آمدهای آن به‌خصوص نسبت تجدد با هویت و هستی ما و رویکردها و جریان‌های موافق و مخالف در مصر با تأکید بر اندیشه‌های روشن‌فکر معاصر آن یعنی حسن حنفی را پدید آورده است، در این میان چیستی این مسئله و بررسی پی‌آمدهای آن هدف تدوین این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

در مواجهه با تجدد، سه جریان غرب‌گرا، بیداری اسلامی و جریان نوگرایی دینی یا تجدد در میراث اسلامی به وجود آمد که جریان نخست، به شکلی افراطی تنها چاره‌رهایی از مشکلات مصر را اقتباس این تمدن می‌دانست، اما در مقابل، جریان اسلام‌گرا یا بیداری اسلامی خواهان بازگشت به اسلام و احیای آموزه‌های کتاب و سنت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بود. جریان سوم، از برخی جهات متأثر از جریان اول و از جهاتی دیگر نزدیک به جریان دوم است و برای حل مسئله تجدد،

روش‌ها و رویکردهای جدیدی را در فهم اسلام و میراث اسلامی دنبال می‌کند که مستلزم نفی و طرد تفسیرها و باورهای مرسوم اندیشمندان مسلمان است. مهم‌ترین جریان‌های تجدد در مصر را می‌توان در چهار گرایش لیبرالیسم، سکولاریسم، ناسیونالیسم و سوسیالیسم خلاصه کرد که از مهم‌ترین شخصیت‌های هر یک از آن‌ها در این نوشتار سخن به میان آمده است؛ هم‌چنین جریان بیداری اسلامی خود جبهه بزرگی در مقابل غرب‌گرایی محسوب می‌شود. در این میان شخصیت‌هایی؛ نظیر سید جمال الدین اسدآبادی، عبده، رشید رضا در مصر هستند که از آنان سخن به میان می‌آید.

حسن حنفی اندیشمند معاصر مصر در طیف نوگرایان دینی یا قائلین به تجدد در میراث اسلامی می‌گنجد. بن رویکرد در موازین معرفتی و اجتماعی خود وام‌دار تفکر غربی می‌داند و عصری کردن دین و نوگرایی در اندیشه دینی را با اسلوب جدیدی پی می‌گیرد؛ این رویکرد نه اصلاح و نه روکرد نخست را در شعار غرب‌گرایی و دین‌زدایی دارد نه مانند رویکرد دوم، در چهارچوب اصول و روش‌های مقبول دینی به دفاع از دین می‌پردازد؛ بلکه میراث اسلامی را امری تاریخی و تمدنی می‌داند و مدعی بازسازی آن به تناسب نیازهای عصری است. در این رویکرد دین فاقد زبان گویا از خود و حتی فاقد ذات تلقی می‌شود و فقط شرایط تمدنی و تفاسیر متفاوت یا متعارض به تناسب شرایط فوق، اندیشه دینی را پدید می‌آورد.

حنفی مؤسس جریان چپ اسلامی (اليسار الاسلامی) در مصر، مجموعه اندیشه خود را در سه حوزه بازسازی یا تجدد میراث اسلامی، حوزه غرب‌شناسی و حوزه بازشناسی مسائل مربوط به واقعیت معاصر مسلمین عرضه کرده است. او در حوزه غرب‌شناسی با وجود تأکید بر ضرورت شناخت غرب از منظر «خودی» و بازگرداندن غرب به حدود طبیعی آن، مثل بسیاری از روشن‌فکران به غرب‌شناسی

وارونه‌ای دچار می‌شود که حاصل آن در مبانی نظری او در بازشناسی میراث اسلامی ظهور می‌یابد؛ یعنی حنفی با مبانی نسبیّت‌گرایی، پدیدارشناختی هوسرلی، فایده‌گرایی، قداست‌زدایی، اومانستی، سکولاری، تاریخی‌نگری و تمدن‌گرایی میراث اسلامی را بازخوانی می‌کند. حنفی حوزه‌های بسیار گسترده‌ای را با رویکرد تجدد بازخوانی و تأویل کرده است؛ با توجه به این امر در این تحقیق اندیشه‌های او فقط در چهار حوزه بنیادی تر یعنی کلام، فلسفه، روش تفسیر و اندیشه سیاسی و اجتماعی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: حسن حنفی، مصر، تجدد، غرب‌گرایی، اسلام، میراث اسلامی، اسلام‌گرایی، بیداری اسلامی، غرب‌شناسی، بازسازی میراث، نوگرایی دینی.

فهرست موضوعات

۲۳	 مقدمه
۲۵	 ۱. تبیین موضوع و اهداف آن
۲۵	 ۱-۱. غرب‌گرایی و پیرایه‌ی از تمدن غرب
۲۶	 ۱-۲. اسلام‌گرایی و پیرایه‌ی آن
۲۸	 ۱-۳. تجدد در اندیشه دینی و میراث اسلام
۳۰	 ۲. ضرورت و اهمیت موضوع
۳۱	 ۳. سؤال‌های تحقیق
۳۱	 الف) سؤال اصلی
۳۲	 ب) سؤال‌های فرعی
۳۲	 ۴. فرضیه‌های تحقیق
۳۴	 ۵. روش‌شناسی

بخش اول: اسلام و تجدد در مصر

۳۹	 فصل اول: کلیات و مفاهیم
۳۹	 گفتار ۱. مفاهیم

- ۳۹..... ۱-۱. اسلام و تراث اسلامی
- ۴۳..... ۱-۲. مفهوم تجدد
- ۴۹..... ۱-۳. تجدد در تراث اسلامی (تجدد دینی)
- ۵۰..... گفتار ۲. مبانی و چهارچوب تنوریک
- ۶۳..... گفتار ۳. حیات علمی حسن حنفی
- ۶۷..... فصل دوم: غرب‌گرایی در مصر
- ۶۷..... رویکرد غرب‌گرایی در مصر
- ۶۸..... گفتار ۱. زمینه‌های پیدایش تجدد
- ۶۸..... ۱-۱. زمینه‌های اجتماعی و سیاسی
- ۶۸..... ۱-۱-۱. نقش - حکومت - قدرت
- ۶۹..... ۱-۱-۲. حمله ناپلئون به مصر
- ۷۰..... ۱-۱-۳. اشغال‌گری بریتانیا در مصر (۱۸۸۲-۱۹۲۲ م)
- ۷۰..... ۱-۲. زمینه‌های فکری و فرهنگی
- ۷۰..... ۱-۲-۱. اعزام دانشجویان به اروپا
- ۷۱..... ۱-۲-۲. تأسیس مراکز علمی جدید
- ۷۲..... ۱-۲-۳. تبلیغ مبشرین مسیحی و هیئت‌های مذهبی اروپایی
- ۷۲..... ۱-۲-۴. نقش کتب، مجلات و نشریه‌های علمی و فرهنگی
- ۷۳..... ۱-۲-۵. رکود فکری جامعه اسلامی
- ۷۴..... گفتار ۲. تجدد و لیبرالیسم
- ۷۵..... ۲-۱. طهطاوی پیشرو لیبرالیسم در مصر
- ۷۸..... ۲-۲. احمد لطفی السید
- ۷۹..... ۲-۳. قاسم امین
- ۸۱..... گفتار ۳. تجدد و سکولاریسم

- ۱-۳. روشن فکران مسیحی عرب ۸۱
- ۲-۳. جریان سکولاریستی روشن فکران مسلمان ۸۳
- ۱-۲-۳. علی عبدالرازق ۸۴
- ۱-۱-۲-۳. نقد و بررسی ۸۷
- ۲-۲-۳. طه حسین ۹۲
- ۱-۲-۲-۳. نقد و بررسی ۹۴
- ۳-۲-۳. خالد محمد خالد ۹۶
- ۱-۳-۲-۳. نقد و بررسی ۹۷
- گفتار ۴. جدّد و ناسیونالیسم ۹۸
- ۱-۴. ناسیونالیسم عربی و روشن فکران مسیحی ۹۹
- ۲-۴. طوطاوی نخستین ناسیونالیست وطنی ۱۰۰
- ۳-۴. مراحل تاریخی ناسیونالیسم عرب ۱۰۱
- ۱-۳-۴. ناسیونالیسم تا قبل از جنگ جهانی اول ۱۰۱
- ۲-۳-۴. ناسیونالیسم از جنگ جهانی اول تا پایان جنگ جهانی دوم ۱۰۲
- ۳-۳-۴. ناسیونالیسم عربی بعد از جنگ جهانی دوم ۱۰۳
- گفتار ۵. تجدّد و سوسیالیسم ۱۰۵
- ۱-۵. سوسیالیسم تخیلی ۱۰۶
- ۲-۵. سوسیالیسم رادیکال ۱۰۷
- ۳-۵. سوسیالیسم ناصری ۱۰۸
- ۴-۵. سوسیالیسم اسلامی ۱۰۹
- گفتار ۶. غرب گرایان معاصر مصر ۱۱۱
- فصل سوم: بیداری اسلامی در مصر ۱۱۴
- گفتار ۱. زمینه‌های بیداری اسلامی ۱۱۴

- ۱۱۵..... ۱-۱. زمینه‌های سیاسی-اجتماعی
- ۱۱۵..... ۱-۱-۱. تهاجم گسترده غرب
- ۱۱۵..... ۱-۱-۲. استبداد و انحطاط اجتماعی
- ۱۱۶..... ۱-۲. زمینه‌های فکری-فرهنگی
- ۱۱۶..... ۱-۲-۱. اسلام رهایی بخش
- ۱۱۷..... ۱-۲-۲. رکود و انحطاط فکری
- ۱۱۷..... ۱-۲-۳. غرب‌زدگی و بحران هویت
- ۱۱۸..... ۱-۲-۴. بازگشت به سلف
- ۱۱۹..... گفتار ۲. پیشگامان بیداری اسلامی
- ۱۱۹..... ۲-۱. سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ ق)
- ۱۲۰..... ۲-۱-۱. سید جمال و عوامل تحطاط
- ۱۲۱..... ۲-۱-۲. دین و سیاست از نظر سید جمال‌الدین
- ۱۲۳..... ۲-۱-۳. اسلام و تجدد از منظر سید جمال‌الدین
- ۱۲۴..... ۲-۱-۴. سید جمال و مصر
- ۱۲۶..... ۲-۲. شیخ محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۳ هـ)
- ۱۲۷..... ۲-۲-۲. عبده و اندیشه دینی
- ۱۳۲..... ۲-۲-۳. دین و سیاست از نظر عبده
- ۱۳۴..... ۲-۲-۴. عبده و اصلاح اجتماعی
- ۱۳۵..... ۲-۲-۵. عبده و غرب
- ۱۳۷..... ۲-۳. محمد رشیدرضا (۱۲۸۲-۱۳۵۴ هـ)
- ۱۳۸..... ۲-۳-۱. رشیدرضا و جنبش بیداری اسلامی
- ۱۳۹..... ۲-۳-۲. رشیدرضا و خلافت اسلامی
- ۱۴۳..... ۲-۳-۳. رشیدرضا و غرب

- ۱۴۴..... ۲-۴. اخوان المسلمین
- ۱۴۴..... ۲-۴-۱. زمینه پیدایش
- ۱۴۵..... ۲-۴-۲. نظر حسن البنا درباره رویکرد اصلاحی اخوان المسلمین
- ۱۴۹..... ۲-۴-۵. اخوان المسلمین و غرب

بخش دوم: اسلام و تجدد در اندیشه حسن حنفی

- ۱۵۵..... فصل اول: بازشناسی تجدد و غرب در اندیشه حسن حنفی
- ۱۵۵..... گفتار ۱. زمینه‌های پیدایش اندیشه حنفی
- ۱۵۶..... ۱-۲. محیط زندگی
- ۱۵۶..... ۲-۲. محیط تحصیل
- ۱۵۸..... گفتار ۲. مبانی و روش‌شناسی اندیشه حنفی
- ۱۵۸..... ۲-۱. مبانی اندیشه حنفی
- ۱۵۸..... ۱-۱-۲. نسبیت‌گرایی
- ۱۶۰..... ۲-۱-۲. فایده‌گرایی
- ۱۶۱..... ۲-۱-۳. قداست‌زدایی
- ۱۶۲..... ۲-۱-۴. تاریخی‌نگری و تمدن‌گرایی
- ۱۶۳..... ۲-۱-۵. انسان‌گرایی
- ۱۶۳..... ۲-۱-۶. تفسیر سکولار از دین
- ۱۶۵..... ۲-۱-۷. رویکرد پدیدارشناختی
- ۱۶۹..... ۲-۲. روش‌شناسی اندیشه حنفی
- ۱۷۲..... گفتار ۳. ساختار اندیشه حنفی
- ۱۷۹..... ۳-۱. نقد و بررسی
- ۱۸۳..... گفتار ۴. استغراب یا غرب‌شناسی

- ۱۸۴..... ۴-۱. فواید علم استغراب
- ۱۸۵..... ۴-۲. غرب‌شناسی وارونه
- ۱۸۷..... ۴-۳. غرب در اندیشه معاصر ما
- ۱۹۰..... ۴-۴. نقد و بررسی
- ۱۹۲..... گفتار ۵. تکوین آگاهی اروپایی
- ۱۹۳..... ۵-۱. منابع آگاهی اروپایی
- ۱۹۳..... ۵-۱-۱. منابع آشکار و پنهان
- ۱۹۴..... ۵-۱-۲. عصر آباب کلیسا (قرن ۱-۷ میلادی)
- ۱۹۵..... ۵-۱-۳. عصر فلسفه مدرسه‌ای (قرون وسطی)
- ۱۹۷..... ۵-۱-۴. عصر اصلاح‌دینی و رنسانس (قرن ۱۵-۱۶)
- ۱۹۸..... ۵-۲. آغاز آگاهی اروپایی (قرن ۱۷-۱۸)
- ۲۰۰..... ۵-۳. اوج آگاهی اروپایی (قرن ۱۹)
- ۲۰۴..... ۵-۴. پایان آگاهی اروپایی (قرن ۲۰)
- ۲۰۸..... ۵-۵. نقد و بررسی
- ۲۱۷..... گفتار ۶. ساختار آگاهی اروپایی
- ۲۱۷..... ۶-۱. عقلانیت اروپایی
- ۲۱۸..... ۶-۱-۱. گسست معرفتی
- ۲۱۹..... ۶-۱-۲. واقعیت برهنه از نظریه
- ۲۲۰..... ۶-۲. از نظریه پردازی تا نسبی‌گرایی
- ۲۲۲..... ۶-۳. واقعیت و ارزش
- ۲۲۵..... ۶-۴. مکاتب فلسفی
- ۲۲۵..... ۶-۴-۱. عناصر مکاتب فلسفی
- ۲۲۶..... ۶-۴-۲. ساختار مکاتب فلسفی

- ۲۲۷..... ۳-۴-۶. زایش مکاتب فلسفی
- ۲۲۹..... ۵-۶. آگاهی تاریخی
- ۲۳۰..... ۶-۶. ساختار و تاریخ
- ۲۳۱..... ۱-۶-۶. تاریخ ساختار آگاهی اروپایی
- ۲۳۳..... ۲-۶-۶. ساختار تاریخ آگاهی اروپایی
- ۲۳۵..... ۷-۶. نقد و بررسی
- ۲۳۹..... گفتار ۷. سرنوشت آگاهی اروپایی
- ۲۴۰..... ۱-۷. چالش «من» و «دیگری»
- ۲۴۳..... ۲-۷. جلوه‌های نیستی در آگاهی اروپایی
- ۲۴۴..... ۳-۷. امید به آگاهی اروپایی
- ۲۴۵..... ۴-۷. حرکت تمدن از غرب به شرق
- ۲۴۶..... ۵-۷. نقد و بررسی
- ۲۵۱..... فصل دوم: بازشناسی اسلام و میراث اسلامی در اندیشه حسن حنفی
- ۲۵۱..... گفتار ۱. ماهیت میراث اسلامی
- ۲۵۲..... ۱-۱. ویژگی‌های میراث
- ۲۵۳..... ۱-۱-۱. میراث موضوعی ملی و بومی (التراث قضية وطنية)
- ۲۵۵..... ۲-۱-۱. میراث ملازم تجدد (التجديد والمعاصرة)
- ۲۵۶..... ۳-۱-۱. میراث مادی و صوری
- ۲۵۶..... ۴-۱-۱. میراث سلطه و میراث ستیز (میراث السلطه و میراث المعارضه)
- ۲۵۷..... ۵-۱-۱. یک‌جانبه‌گرایی میراث (احادية التراث)
- ۲۵۸..... ۶-۱-۱. میراث وارونه (التراث المقلوبة)
- ۲۵۸..... ۷-۱-۱. دوانگاری میراث (ازدواجية الفكر الاسلامي)
- ۲۵۹..... ۸-۱-۱. میراث، ایدئولوژی تغییر

۲۵۹. ۹-۱-۱. میراث، صورت‌بندی کاذب (التشکل الكاذب: الوافد و الموروث).....
۲۵۹. ۲-۱. اهداف و ضرورت‌های بازسازی میراث.....
۲۶۱. ۳-۱. نقد و بررسی.....
۲۶۶. گفتار ۲. بازسازی میراث.....
۲۶۶. ۱-۲. مفاهیم بنیادین تجدد در بازسازی میراث.....
۲۶۶. ۱-۱-۲. طبیعت.....
۲۶۷. ۲-۱-۲. عقل.....
۲۶۷. ۳-۱-۲. انسان.....
۲۶۸. ۴-۱-۲. جامعه.....
۲۶۸. ۵-۱-۲. تاریخ.....
۲۶۹. ۲-۲. بازسازی بنیادی میراث.....
۲۶۹. ۱-۲-۲. رویکرد خودکفایی به میراث اسلامی.....
۲۶۹. ۲-۲-۲. رویکرد خودکفایی به مکاتب عربی.....
۲۷۰. ۳-۲-۲. رویکرد سازش بین میراث و تجدد.....
۲۷۲. ۳-۲. نقد و بررسی.....
۲۷۵. گفتار ۳. روش‌های تجدد و بازسازی میراث اسلامی.....
۲۷۶. ۱-۳. بازسازی زبانی.....
۲۷۸. ۱-۳-۱. نارسایی‌های زبان میراث.....
۲۸۱. ۲-۳-۱. ویژگی‌های زبان جدید.....
۲۸۲. ۲-۳. بازسازی مفهومی (کشف عرصه‌های پنهان و جدید از میراث گذشته).....
۲۸۴. ۳-۳. تغییر محیط فرهنگی.....
۲۸۵. ۴-۳. مراحل بازسازی میراث.....
۲۸۷. ۵-۳. نقد و بررسی.....

۲۹۱	گفتار ۴. تجدد در میراث کلامی
۲۹۴	۴-۱. پیدایش علم کلام
۲۹۵	۴-۲. تاریخ‌مندی علم کلام
۲۹۸	۴-۳. شیوه‌های خاص تجدد کلامی
۲۹۸	۴-۳-۱. تأویل میراث
۲۹۹	۴-۳-۲. احیاء بخشی از میراث
۳۰۱	۴-۳-۳. گزینش قرائت مناسب عصری
۳۰۱	۴-۳-۴. نوآوری گزینه‌های جدید
۳۰۳	۴-۴. نقد و بررسی
۳۰۷	۴-۵. نمونه‌هایی از تجدد در موضوعات کلامی
۳۰۷	۴-۵-۱. توحید
۳۱۳	۴-۵-۲. عدل
۳۱۴	۴-۵-۲-۱. اختیار و آزادی انسان
۳۱۵	۴-۵-۲-۲. حسن و قبح، عقل و نقل
۳۱۷	۴-۵-۳. وحی و نبوت
۳۲۲	۴-۵-۴. معاد
۳۲۳	۴-۵-۵. امامت
۳۲۶	۴-۵-۶. انسان و تاریخ در کلام اسلامی
۳۲۸	۴-۵-۷. مسئله تکفیر
۳۳۰	۴-۶. نقد و بررسی
۳۳۹	گفتار ۵. تجدد در میراث فلسفی
۳۴۰	۵-۱. ویژگی‌های میراث فلسفی
۳۴۰	۵-۱-۱. ویژگی‌های مثبت میراث فلسفی

- ۳۴۰..... ۵-۱-۱-۱. تعمیق اندیشه دینی..... ۴۴۰
- ۳۴۱..... ۵-۱-۱-۲. هضم دیگر تمدن‌ها..... ۴۴۰
- ۳۴۲..... ۵-۱-۱-۳. ترجمه، شرح و تألیف..... ۴۴۰
- ۳۴۲..... ۵-۱-۱-۴. آفرینش زبان نو..... ۴۴۰
- ۳۴۳..... ۵-۱-۱-۵. پیوستگی با علم..... ۴۴۰
- ۳۴۳..... ۵-۱-۱-۶. اندیشه دایرة المعارفی همراه با تخصص..... ۴۴۰
- ۳۴۴..... ۵-۱-۱-۷. پیوند عقل و ایمان..... ۴۴۰
- ۳۴۴..... ۵-۱-۲. ویژگی‌های منفی میراث فلسفی..... ۴۴۰
- ۳۴۴..... ۵-۲-۱. تکیه بر منطق صوری..... ۴۴۰
- ۳۴۵..... ۵-۱-۲-۲. فقدان عقاید نقاد..... ۴۴۰
- ۳۴۵..... ۵-۱-۲-۳. اشراق گرایی - نظریه فیض..... ۴۴۰
- ۳۴۶..... ۵-۱-۲-۴. طبیعیات الهیاتی..... ۴۴۰
- ۳۴۶..... ۵-۱-۲-۵. ثنویت در طبیعت..... ۴۴۰
- ۳۴۷..... ۵-۱-۲-۶. ترجیح حکمت نظری..... ۴۴۰
- ۳۴۷..... ۵-۱-۲-۷. دولت هرمی..... ۴۴۰
- ۳۴۸..... ۵-۱-۲-۸. انسان و میراث فلسفی..... ۴۴۰
- ۳۴۸..... ۵-۲. آینده میراث فلسفی..... ۴۴۰
- ۳۴۹..... ۵-۳. نقد و بررسی..... ۴۴۰
- ۳۵۵..... گفتار ۶. تجدد در میراث تفسیری..... ۴۴۰
- ۳۵۶..... ۶-۱. واقع، وحی و تفسیر..... ۴۴۰
- ۳۵۸..... ۶-۲. روش تفسیری..... ۴۴۰
- ۳۵۹..... ۶-۲-۱. نقد حنفی بر روش‌های تفسیری میراث..... ۴۴۰
- ۳۶۴..... ۶-۲-۲. رویکرد حنفی در تفسیر (روش اجتماعی)..... ۴۴۰

- ۳۶۷..... ۳-۲-۶. حنفی و تفسیر روایات
- ۳۷۰..... ۳-۲-۶. نقد و بررسی
- ۳۷۹..... گفتار ۷. تجدد در حوزه فرهنگ و سیاست
- ۳۸۰..... ۱-۷. معنای فرهنگ و تمدن
- ۳۸۰..... ۲-۷. رویکرد تمدنی و آگاهی تاریخی
- ۳۸۱..... ۱-۲-۷. فقدان آگاهی تاریخی و مسئله ستیز اجتماعی
- ۳۸۳..... ۲-۲-۷. آینده تمدن و اندیشه اسلامی
- ۳۸۴..... ۳-۲-۷. جنگ تمدن‌ها یا گفت‌وگوی تمدن‌ها
- ۳۸۵..... ۳-۲-۷. مسئله جهانی شدن
- ۳۸۷..... ۱-۳-۷. مقاومت در برابر جهانی شدن
- ۳۸۹..... ۲-۳-۷. اسلام و مسئله جهانی شدن
- ۳۹۱..... ۴-۷. بازشناسی جریان‌های اجتماعی معاصر عرب
- ۳۹۲..... ۱-۴-۷. سه جریان اساسی در اندیشه معاصر عرب
- ۳۹۴..... ۱-۱-۴-۷. ارزیابی حنفی از جریان سکولاریسم
- ۳۹۵..... ۲-۱-۴-۷. ارزیابی حنفی از جریان علمی سکولار
- ۳۹۶..... ۳-۱-۴-۷. ارزیابی حنفی از جریان بیداری اسلامی
- ۳۹۹..... ۲-۴-۷. اشتراک و افتراق دو جریان اسلام‌گرا و سکولار
- ۴۰۲..... ۳-۴-۷. راه کارهای حنفی در وفاق دو جریان اسلام‌گرا و سکولار
- ۴۰۳..... ۵-۷. مابعد اصول‌گرایی یا اسلام روشن‌گر
- ۴۰۴..... ۱-۵-۷. رویکرد چپ اسلامی
- ۴۰۷..... ۶-۷. جریان انقلاب اسلامی ایران
- ۴۱۰..... ۷-۷. بحران‌ها و چالش‌های دنیای اسلام
- ۴۱۲..... ۱-۷-۷. انواع بحران‌ها در جوامع اسلامی

۴۱۴	۷-۷-۲. حنفی و راه حل‌های بحران‌ها
۴۱۵	۷-۸. مفهوم پیش‌رفت
۴۱۸	۷-۹. نقد و بررسی
۴۳۳	فصل سوم: خاتمه: جمع‌بندی و کلی‌ترین نقدها
۴۳۳	۱. حکومت و خواص دو عامل داخلی غرب‌گرایی
۴۳۵	۲. چالش‌های اسلام و تجدد
۴۳۹	۳. رویش بیداری اسلامی
۴۴۱	۴. بیداری اسلامی و آفات فرا روی
۴۴۴	۵. نقدهایی بر اندیشه حنفی
۴۴۴	۵-۱. نقد مبانی اندیشه حنفی
۴۵۲	۵-۲. غرب‌شناسی وارونه
۴۶۰	۵-۳. اسلام‌شناسی وارونه
۴۶۲	۵-۳-۱. میراث در چنگ عصریت
۴۶۳	۵-۳-۲. الهیات در ذیل سیاست
۴۶۳	۵-۳-۳. وارونگی در لباس تجدد
۴۶۴	۵-۳-۴. بیراهه‌ها در بازشناسی میراث
۴۶۵	۵-۳-۵. تعیین انسان یا تحیر و رهایی
۴۶۶	۵-۳-۶. واقع‌گرایی یا واقع‌نمایی
۴۶۷	۵-۳-۷. اسلام با تفسیر سکولاری، الحادی و مارکسیستی
۴۶۹	کتاب‌نامه
۴۸۱	نمایه آیات
۴۸۲	نمایه اعلام

مقدمه

تجدد یکی از مسائل مهم جهان اسلام و منشأ ده‌ها مسئله بنیادین در عرصه‌های مختلف دین، مویات، تمدن، سیاست، علم و فناوری بوده و همواره توجه اندیشمندان و تحلیل‌گران مسائل جهان اسلام را به خود جلب کرده است. ورود اندیشه‌ها، مکاتب فلسفی و سیاسی و فناوری غرب به دنیای اسلام، مسئله‌ای بود که بنیادهای فکر دینی و سنت و سیره مسلمانان را به چالش کشاند. تجدد و مدرنیته در دنیای غرب بر مبنای گسست از دین و کلیسا و سنت با اندیشه‌ها و باورهای غیر تجربی پدید آمد و با دنیاگرایی، انسان‌محوری، تجربه‌گرایی و نفی قداست از چهره عالم و آدم، در پی سیطره هر چه تمام‌تر بر همه عرصه‌های معرفتی سیاسی و کیهانی بوده است. چنین رویکردی نمی‌توانست چالش‌های گوناگونی را در دنیای اسلام پدید نیاورد.

مسئله عقب‌ماندگی دنیای اسلام تحت تأثیر استبداد و خودکامگی سلاطین شکل گرفت؛ در کنار این مسئله رقابت قدرت‌های غربی در تهاجم به دنیای اسلام جهت تأمین مطامع استعماری، عامل دیگری در پیدایش این چالش‌ها بود. استعمار در طی دو قرن اخیر، علاوه بر استیلای سیاسی و فناوری بر منطقه، استیلای فکری و فرهنگی بر جهان اسلام را و جبهه همت خود قرار داد، کاری که می‌تواند بنیان‌های

مقاومت یک ملت را در برابر استعمار مدرن نابود کند.

تجدد در چنین فرایندی زاده می‌شود. تحول خواهی، پیش‌رفت، بازسازی ساختار حیات اجتماعی، ارتقای سطح زندگی، کسب دانش، افزایش قدرت و فناوری و در یک کلمه همچون ملت‌های مدرن بودن، آرزوها و آرمان‌هایی است که گاه با مفهوم تجدد دنبال شده است. شدت عقب‌ماندگی، خودباختگی، احساس حقارت، ناتوانی و سیطره مظاهر مادی غرب در جوامع اسلامی به حدی بوده است که برخی از دانشوران و خواص ما به عمد یا به غفلت، فرصت اندیشیدن و نقادی در مبدأ و مفاد این تحول و اصول و روش‌های آن را از کف داده‌اند و چیزی به نام «مسئله تجدد»

گریبان آن‌ها و کشورهای اسلامی را گرفته است.

۱. چستی مسئله: تجدد پدیده‌ای است که به هر دلیل بر زیست اجتماعی و معرفتی ما تأثیر گذاشته است.

۲. پی‌آمدهای آن به خصوص نسبت به جد با هویت و هستی ما و رویکرد اندیشمندان مسلمان برای تحلیل و حل مسئله موضوعی است که ضرورت تبیین آن هم چنان وجود دارد.

مصر در خط مقدم مواجهه با دنیای مدرن در چنین چرخش قرار گرفت و جریان‌های متفاوتی را خلق کرد. ناپلئون در سال ۱۷۹۸ م. و پس از آن انگلیس مصر را اشغال کردند. در همین زمان جریان پیروی از تمدن غرب به شکلی افراطی ظهور یافت که تنها چاره‌رهایی از مشکلات مصر را اخذ تمدن غربی می‌دانست؛ اما در مقابل، جریان اسلام‌گرا یا بیداری اسلامی خواهان بازگشت به اسلام و احیای آموزه‌های کتاب و سنت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بود. جریان سومی نیز از برخی جهات تحت تأثیر جریان اول و از جهاتی دیگر نزدیک به جریان دوم برای حل مسئله تجدد، روش‌ها و رویکردهای جدیدی را در فهم اسلام و میراث اسلامی دنبال می‌کرد که مستلزم نفی و طرد تفسیرها و باورهای مرسوم اندیشمندان مسلمان

است. این جریان اکنون هم در جوامع اسلامی فعالیت دارد و تفسیر جدیدی را از اسلام عرضه می‌کند و به گونه‌ای با جریان تجدد کنار می‌آید و آن را با اسلام جمع می‌کند یا از منظر خاصی اسلام را نقد یا گزینش می‌کند. حسن حنفی اندیشمند معاصر مصر در این طیف قرار دارد. نگاه به اندیشه‌های او نشان خواهد داد که چگونه برخی از متفکران معاصر موضع خود را در برابر تجدد و تراث ترسیم کرده‌اند و تا چه اندازه هماهنگ با موازین دینی و عقلی و از درون فرهنگ و هویت خود برخاسته‌اند.

۱. تبیین موضوع و ابعاد آن

تحولات سریع و چشم‌گیر اجتماعی، علمی و فناوری دنیای غرب قدرت و سلطه خود را به رخ جهان کشید و پی‌آمدهایی متفاوت را از قرن نوزده به بعد در دنیای اسلام و به خصوص مصر به وجود آورد. مجموعه این پی‌آمدها را با توجه به جامعه مصر به صورت کلی سه رویکرد نظری متفاوت می‌توان تقسیم کرد؛ هر چند تفکیک واقعی، دقیق و کامل افراد و جریان‌ها، کاری بس مشکل یا غیر ممکن می‌نماید. با طرح این سه رویکرد و بیان پاره‌ای از ویژگی‌های هر یک، می‌توان موضوع این تحقیق را تحریر و ابعاد آن را تبیین کرد:

۱-۱. غرب‌گرایی و پیروی از تمدن غرب

در گذشته بسیاری از تحصیل‌کردگان غربی در دنیای اسلام، بدون اطلاعات لازم از هویت اسلامی و معرفت دینی با بازگشت به وطن، کعبه امید و آرزوی خود را تغییر فرهنگ و هویت جامعه اسلامی مطابق نسخه غربی می‌دانسته‌اند. هر چند ممکن است اینان به وجه استعماری غرب معترض بوده و حتی جنبش‌هایی را برای رهایی کشور خود از وابستگی سیاسی به غرب و اشغال نظامی آن‌ها به وجود آورده باشند، اما باز هم در تحقق جامعه آرمانی خود از جهت اهداف، اصول و روش‌ها، مدلی جز

آنچه در غرب دیده‌اند، نداشتند. آن‌ها به نوعی در پی غربی کردن جامعه، فرهنگ و معرفت بوده‌اند. به تعبیر حمید عنایت در نوشته‌های جریان پیروی از تمدن غربی «همواره احساسی از مهر و کین آمیخته به هم در حق غرب آشکار است، مهر به فرهنگ غربی و کین به ستم استعمار غربی».^۱

افراد، نخبگان، گروه‌ها و جریان‌های متفاوتی از این طیف وجود دارند که با درجات مختلفی از هسته مشترک «غربی شدن، لائیزم و سکولاریزم» برخوردار بوده و در یک یا چند اصل از خطوط کلی ذیل مشترک‌اند:

الف) تأکید بر عربیت و ناسیونالیسم عربی در مقام عامل وحدت بخش به جای تأکید بر دین؛

ب) تأثیرپذیری شدید از فاسفه‌های جدید غرب به خصوص پوزیتیویسم کنتی، افکار ارنست رنان، اسپنسر، سیمنهار، مارکس، فرانسیس بیکن، داروینیسیم و اومانیسیم؛

ج) تفسیر عقلی (عقل مدرن) و تجربی از آموزه‌های دینی؛

د) الگو دانستن نسخه غرب، اخذ تمدن غربی و عدم احساس خطر از آن؛

ه) جدایی دین از سیاست.

۲-۱. اسلام‌گرایی و پیرایش آن

در مقابل غرب‌گرایی یا تجدد، همواره رویکرد دومی وجود داشت که از درون حوزه تفکر اسلامی پدید آمده و نگران میراث گذشته و اندیشه و هویت جامعه اسلامی بود. این رویکرد، دین را امری شخصی یا سطحی نمی‌دانست؛ بلکه خواهان بازگشت و احیای دین و پیرایش آن بوده است. این رویکردی در مقابل غرب،

۱. حمید عنایت، سیری در اندیشه سبیلی غرب، ص ۳۹.

فرهنگ و ارزش‌های آن می‌ایستد؛ اما علم، فناوری و پیش‌رفتهای غربیان را می‌ستاید و از تمدن آن به تناسب فرهنگ خود، عناصری را گزینش می‌کند.

رویکرد یاد شده خود جبهه بزرگی را تشکیل می‌دهد که بیداری، دقت، واقع‌بینی و جانب‌داری آن از فرهنگ و معرفت دینی در مقابل غرب متفاوت بوده و تفاوت خود را در اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌ها بر جای گذاشته است. سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده در رأس این رویکرد در مصر قرار دارند. سلفیون مصر و در رأس آن‌ها رشید رضا برای بازگشت به «سلف صالح» و ستیز با غرب، جبهه بزرگ «اخوان المسلمین» را به وجود می‌آورند که اسلام حکومتی و سیاسی یکی از دغدغه‌های آن‌ها بوده است. برخی از ویژگی‌های این رویکرد را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

الف) یگانگی مطلقه‌ای مسلمانان در برابر خطر سیاسی و فرهنگی غرب (پان‌اسلامیزم)؛

ب) پیرایش عقاید مسلمانان از خرافات و تاریک‌اندیشی و بازگشت به شیوه سلف صالح؛

ج) هماهنگ کردن رهنمودهای دین با موازین عقل و مقتضیات جهان نو و ضرورت اجتهاد در اندیشه دینی و تفسیر قرآن برای سازگاری با علم و تمدن معاصر؛

د) تکوین بیداری اسلامی و جنبش آزادی‌خواهی در اواخر قرن سیزده هجری.^۱ افراط و تفریط‌های این رویکرد در مصر در عرصه تفسیر، گاه سر از تفسیر به رأی در می‌آورد یا در عرصه پیرایش گاه با تنگ‌نظری سلفی‌ها به «وهابیت» منتهی می‌شود؛ در هر صورت بیشتر در فضای معرفتی و اجتماعی اهل سنت نشو و نما کرده است و قهرأ چهارچوب‌ها و محدودیت‌های آن را خواهد داشت.

این پژوهش ضمن بررسی هر یک از دو رویکرد غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی در مصر (به طور عمده در قرن نوزده میلادی) توجه اصلی خود را به بررسی رویکرد سومی معطوف می‌کند که در عین تشابه در برخی از جهات با دو رویکرد سابق، تفاوت‌هایی با آن‌ها دارد و از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳-۱. تجدد در اندیشه دینی و میراث اسلامی

رویکرد سوم، بازتابی از موج تجدد را در مصر و بسیاری از کشورهای اسلامی نشان می‌دهد، که با فرض پذیرش میراث اسلامی، مدعی تجدد در تراث و نوگرایی در اندیشه دینی است. این جریان به صورت بنیادی و گسترده و تحت تأثیر شخصیت‌ها و اندیشه‌های معرفت‌ساختی و فلسفی دنیای غرب، اسلام و میراث اسلامی را بازخوانی یا به تعبیر خود بازسازی می‌کند.

این رویکرد به کلی چشم از دین نمی‌پوشد و آشکارا غرب را کعبه آمال خود قرار نمی‌دهد، اما در موازین معرفتی و اجتماعی خود و اندام تفکر غربی بوده یا متأثر از آن است؛ به همین دلیل عصری کردن دین و نوگرایی در اندیشه دینی را با الگوی جدیدی پی می‌گیرد؛ نه صراحت رویکرد نخست را در شعار غرب‌گرایی و دین‌زدایی دارد نه مانند رویکرد دوم در چهارچوب اصول و روش‌های مقبول دینی از دین دفاع می‌کند؛ بلکه میراث اسلامی را امری تاریخی و تمدنی می‌داند و مدعی بازسازی آن به تناسب نیازهای عصری است. در این رویکرد دین فاقد زبان‌گویایی از خود و حتی فاقد ذات تلقی می‌شود و فقط شرایط تمدنی و تفاسیر متفاوت یا متعارض است که به تناسب شرایط فوق، اندیشه دینی را پدید می‌آورد.^۱ مهم‌ترین ممیزات این رویکرد را می‌توان به شرح ذیل بیان داشت:

۱. حسن حنفی، قضایا معاصرة فی فکرنا المعاصر، ص ۸۱-۸۲.

الف) نقد سنت و میراث اسلامی را با بهره‌گیری از مبانی فکری و فلسفی مدرن به‌خصوص نگاه هرمنوتیکی و با هدف تفسیر و بازسازی اندیشه دینی به تناسب دنیای نو انجام می‌دهد؛ به همین علت در این رویکرد، روش‌های سنتی فهم نصوص دینی اعتبار خود را از دست می‌دهند و جای خود را به روش‌های معرفت‌شناختی مدرن‌پسند می‌سپارند؛

ب) اندیشه‌های این رویکرد در حوزه‌های گسترده دینی نظام‌وار است و تلاش می‌کند تا مجموعه‌ای به هم مربوط را در حوزه‌های فلسفی، معرفت‌شناختی، کلامی، سیاسی و اجتماعی سامان دهد؛

ج) بین دین و اندیشه دینی تفکیک ایجاد می‌کند؛ بر این اساس معرفت دینی را حکم‌الله تلقی نمی‌کند و از این جاست که بر ضرورت عصری سازی اندیشه دینی تأکید می‌شود. در این رویکرد معرفت دینی مسلمانان و مجتهدان از اسلام، همواره در چهارچوب شرایط تاریخی ظهور می‌شود و تاریخ، بخشی از هویت آن است؛ به همین سبب معرفت دینی نه فقط در ظرف تاریخ بلکه مقید به آن بوده است و با تغییر شرایط نهادی جامعه و تاریخ، تغییر می‌کند.^۱

د) در این رویکرد دو امر مانع تجدد در اندیشه دینی تلقی می‌شود: ۱. اندیشه دینی رایج مسلمین و مجتهدین حوزه‌های اسلامی با گفتمان فکری و زمینه‌های روحی و روانی ویژه خود، رویکرد تجدد در اندیشه دینی را بر نمی‌تابند به شرایط اجتماعی و ساختاری جوامع اسلامی به سادگی امکان عصری سازی اندیشه دینی را فراهم نمی‌کند. گفتمان دینی مدرن زمانی پدید می‌آید که مدرنیزاسیون بخش‌های گسترده‌تری از این جوامع را دربرگیرد.^۲

ه) عملگرایی و معطوف بودن تئوری به عمل ویژگی دیگر این رویکرد محسوب

۱. عبدالمجید شرفی، عصری‌سازی اندیشه دینی، ص ۲۰-۳۸.

۲. همان، ص ۴-۴۵.

می‌شود که در آثار حسن حنفی نیز برجسته است. تجدد در معرفت دینی صرفاً ذهن‌گرایی و فلسفی‌اندیشی نیست؛ بلکه هدف، تغییر وضعیت موجود مسلمین به وضعیت مدرن است؛ به عبارت دیگر، مطابق رویکرد فوق قرائتی از اسلام مطلوب است که از آن ایدئولوژی برای عمل و به تناسب زمان تولید شود و قهراً ایدئولوژی‌ها به تناسب تاریخ مستمراً در حال تغییر هستند. رمز این تحول در اجتهاد نهفته است.^۱ رویکرد سوم از جریان‌ها و شخصیت‌های متفاوتی تشکیل می‌شود. حسن حنفی، بنیان‌گذار جریان «چپ اسلامی» مصر، (در سال ۱۹۸۰ میلادی) در آن قرار دارد. بازشناسی این رویکرد به خصوص افکار و اندیشه‌های حسن حنفی و نقد آن‌ها حوزه اصلی این رساله را تشکیل می‌دهد؛ در عین حال با نگاهی اجمالی به دورویکرد غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی در مصر، ابعاد رویکرد سوم را به شرح ذیل دنبال خواهیم کرد:

۱. زمینه‌های پیدایش رویکرد فوق در مصر.
۲. بازشناسی تجدد و غرب از منظر حسن حنفی.
۳. بازشناسی میراث اسلامی و نسبت آن با تجدد از نظر حسن حنفی؛
۴. چالش‌های فراروی رویکرد فوق.

۲. ضرورت و اهمیت موضوع

اهمیت و ضرورت بررسی موضوع تحقیق را می‌توان با توجه به ابعاد ذیل بیان داشت:

الف) مصر یکی از دروازه‌های مهم برای ورود تجدد به دنیای اسلام و تأثیر آن بر کشورهای اسلامی و عربی است. انتخاب آن می‌تواند کمک شایانی به فهم میزان

۱. محمدعلی ذکریائی، درآمدی بر جامعه‌شناسی روشنفکری ایران، ص ۱۰۹.

قربانیت روشن فکریان مسلمان در کشورهای اسلامی درباره تجدید کند. برای ما مهم است که بدانیم روشن فکریان مصر و عالمان آن دیار چگونه با تجدید داد و ستد کرده‌اند و چگونه توانستند بین تجدید و سنت جمع کنند. بررسی ضعف و قوت آن‌ها می‌تواند مایه‌های عبرت‌آموزی ما و روشن فکریان جامعه ما را فراهم کند.

ب) معرفی و بازشناسی اندیشه‌های حسن حنفی برای قشر تحصیل کرده ما اهمیت دارد؛ زیرا وی یکی از شخصیت‌های مطرح و تأثیرگذار در پروژه‌های تجدید و تراث است که مجموعه گسترده‌ای از مطالعات و تألیفات خود را در این باره اختصاص داد و به طور طبیعی در کانون توجه مراکز علمی و دانشگاهی مختلف قرار گرفته است.

ج) در صف‌های قلم با رویکرد سوم در مصر آشنا شدیم. با شناخت آن و با تأکید بر روشن فکری دینی حسن حنفی می‌توان هم‌خوانی و هماهنگی آن را با موازین عقلی، معرفتی، اجتماعی و انسانی آموزه‌های اسلام به‌خصوص با قرائت شیعی علوی نقد کند. بدین صورت معلوم خواهد شد که آیا «تجدید اندیشه دینی» یا «نوگرایی دینی» می‌تواند اصالت و سلامت اسلام ناب را بدون تأثیرپذیری از التقاط و بدعت برای جوامع اسلامی معاصر حفظ و احیا کند، یا خود به راهی می‌رود که جریان تجدید غربی در پیشاپیش آن رفته است.

۳. سؤال‌های تحقیق

الف) سؤال اصلی

این تحقیق در صدد پاسخ‌گویی به دو سؤال اصلی است: ۱. پرسش نخست، به جریان‌های اصلی اسلام و تجدید در مصر در نخستین مراحل آن است. ۲. پرسش دیگر معطوف به اندیشه حسن حنفی است. با ورود تجدید در مصر چه جریان‌هایی از غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی پدید آمد و چگونه نسبت اسلام و تجدید را بررسی

کرده‌اند؟ حسن حنفی چگونه و با چه رویکردی اسلام (میراث اسلامی) و تجدد تحلیل و تبیین کرده است؟ و رویکرد او در این باره از چه ویژگی‌های مبنایی، روشی و محتوایی برخوردار بوده و با چه مشکلات معرفتی و اجتماعی مواجه است؟

(ب) سؤال‌های فرعی

۱. ورود تجدد به مصر چه جریان‌های فکری و اجتماعی را ایجاد کرد؟
۲. حسن حنفی چگونه جریان‌های تجدد و بیداری اسلامی در مصر را توصیف کرد؟
۳. چه عوامل و زمینه‌هایی در پیدایش رویکرد «تجدد در تراث» یا نوگرایی دینی در مصر مؤثر بود؟
۴. آیا حسن حنفی توانسته است -بگونه فرهنگ و تمدن اسلامی را حتی توصیفی پدیدارشناسی کند؟ پدیدارشناسی او در چه افق‌هایی قرار می‌گیرد؟
۵. آیا بین تراث اسلامی و تجدد نسبت وجود دارد؟ در فهم و تبیین مسئله از چه اصول و معیارهایی باید بهره گرفت؟
۶. آیا رویکرد حنفی یا رویکرد چپ اسلامی در مصر از انقلاب اسلامی ایران برخاسته یا از آن الهام گرفته است؟

۴. فرضیه‌های تحقیق

بر اساس اصول و خطوطی که چهارچوب نظری این تحقیق را فراهم خواهد کرد، می‌توان فرضیه‌های ذیل را در پاسخ به سؤال‌های فوق مطرح کرد:

۱. نخستین متجددین مصر شناخت عمیق و همه‌جانبه از اسلام نداشتند؛ همان‌طور که به بنیادها و ابعاد فلسفی و معرفتی تجدد و پی‌آمدهای آن در جامعه اسلامی به طور عمیق توجه نمی‌کردند؛ به همین سبب روشن‌فکری در مصر بیمار

متولد شد و بیمار رشد کرد، و سلامت فکری برخی از افراد و جریان‌ها را مخدوش کرد.

۲. شرایط پدید آمده از تجدد و استبداد و عقب‌ماندگی جامعه اسلامی، اندیشمندان مسلمان این کشور را به بیداری اسلامی سوق داد تا در مقابل دو جریان استبداد و تجدد، جریان تدافعی اسلامی را به وجود آورند. این حرکت نیازمند احیای اندیشه دینی و بازنگری برای پیرایش آن بود.

۳. جنبش احیا و بازگشت به اسلام در مصر برای تحولی بنیادین در ساختارهای نهادی جامعه به نتیجه کامل نرسید. جریان سلفی نیز در برابر جریان‌های تجدد از خود واکنش شدید نشان داد؛ در چنین شرایطی افرادی چون حسن حنفی رویکرد به ظاهر بینابین اسلام و تجدد را پدید آوردند تا تجدد را در مسیر دیگری به نام تجدد در ثراث اسلامی و نوگرایی دینی سوق داد. این جریان می‌خواست تجدد را با قرائتی نو از اسلام جمع کند.

۴. حنفی مدعی است که چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و تمدنی مسلمین را با رویکرد پدیدارشناختی و تاریخی - تمدنی بررسی کرده است؛ ولی بنابر مدعای ما او از عهده چنین تحلیلی هم برنیامد؛ زیرا از منظر «دیگری» با مطالعه «من» پرداخته است.

۵. بین انقلاب اسلامی ایران و جریان چپ اسلامی در مصر هیچ نسبتی وجود ندارد بلکه مغایر هم هستند.

۶. اسلام و ذات تجدد با یکدیگر قرابت ندارند؛ بلکه تعارض و چالش ذاتی در کلیت آن‌ها برقرار است؛ به طوری که هر چه گرایش به تجدد بیشتر و تأثیرپذیری از آن عمیق‌تر باشد، فاصله از اسلام زیادتر می‌شود؛ بر همین اساس برخی افراد و جریان‌ها با روش‌شناسی و معرفت‌شناسی متأثر از مدرنیته اسلام را بازخوانی می‌کنند و به جای معارف دین، مفاهیم تجدد را بسط می‌دهند.

۵. روش شناسی

تحقیق پیش رو در صدد بازشناسی، توصیف و نقادی اندیشه‌ها و رویکردهایی است که در حوزه اسلام و تجدد در مصر و با تأکید بر رویکرد حسن حنفی صورت گرفته است؛ بنابراین در دو حوزه توصیف و تبیین یا نقادی از روش‌های مناسب بهره خواهد گرفت. به کارگیری روش اسنادی و کتابخانه‌ای ما را در رسیدن به هدف نخست، یعنی توصیف غرب‌گرایی و بیداری اسلامی در مصر و فهم و بازشناسی اندیشه‌های حنفی کمک خواهد کرد. فراتر از توصیف وقتی به قلمرو تبیین، نقد و ارزیابی رویکردها و نظریه‌های مربوط گام می‌نهیم، چهارچوب نظری و مبانی معرفتی خود را بر اساس حکمت صدرایی، چراغ راه قرار می‌دهیم و از تأملات نظری و معرفت‌شناختی مبتنی بر چهارچوب اسلام و آموزه‌های کتاب و سنت بهره خواهیم گرفت. زمانی نقد و داوری علمی، انحال پذیرفته است که از صدق و کذب یا حقیقت و مجاز فلسفی در جهت واقعیت نفس‌الامری سخن به میان آید. در این زمینه روش رئالیستی حکمت صدرایی تنها روشی است که می‌تواند به بررسی ما را به این مقصد برساند. این روش واقع‌نمایی علم را مفروض می‌داند و بر تمایز ساختاری معرفت تجربی با دیگر ساحت‌های معرفتی را به رسمیت می‌شناسد نیز توانایی نقد و تبیین مراتب غیر تجربی معرفت را دارد.^۱

روش رئالیستی صدرایی از ویژگی‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خاصی برخوردار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ اما در بحث چهارچوب نظری بیشتر به آن پرداخته خواهد شد:

۱. بدهات اصل واقعیت: مرز فلسفه و سفسطه است؛

۱. حمید پارسانیا، رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی، ص ۲۳.

۲. اصل عدم تناقض یا استحاله اجتماع و ارتفاع نقیضین؛

۳. اصل علیت؛

۴. کاشفیت و حکایت‌گری گزاره‌های هستی‌شناختی از واقعیت نفس‌الامری و اتصاف آن‌ها به صدق و کذب؛

۴. تقسیم گزاره‌های معرفتی به دو نوع بدیهی و نظری و مبتنی بودن دانش نظری بر استدلال؛

۵. انواع شیوه‌های استدلالی منتج به نوع خاصی از معرفت می‌شود که ممکن است علمی و یقینی یا غیر علمی و غیر یقینی باشد؛

۶. منابع معرفتی در حکمت متعالیه صدرایی سطوح مختلفی از حس، خیال، وهم، عقل، شهود و وحی را دربرمی‌گیرد که در طول یکدیگر قرار دارد و هر سطحی معرفت مناسب خود را ارائه می‌کند؛

۷. دانش علمی وقتی حاصل می‌شود که دانش حسی، خیالی و وهمی با معرفت عقلی همراه شود؛

۸. عقل منبع معرفتی مستقل است. انکار یا تردید در صدق و کذب گزاره‌های عقلی و حکایت‌گری آن از خارج، ارزش معرفتی و واقع‌مای گزاره‌های حسی و تجربی را مخدوش می‌کند؛ اما با حفظ اعتبار و مرجعیت عقل دانش‌های تجربی به عوامل ذهنی یا مناسبات اجتماعی تقلیل نمی‌یابد؛ درضمن فرصت ارزیابی علمی آن‌ها نیز فراهم می‌آید؛

۹. داوری عقل به اعتبار موضوعات معرفتی در دو حوزه نظری و عملی انجام می‌گیرد. عقل عملی در حوزه هستی‌هایی است که با اراده انسان پدید می‌آید؛ به همین دلیل موضوعات اجتماعی و انسانی و علوم انسانی را به داوری هنجاری و ارزشی می‌کشاند؛

۱۰. سرانجام رئالیسم فلسفی فیلسوفان مسلمان سه منبع معرفتی حس، عقل و

وحی را مرجع می‌داند و روشن متناسب با خود را در معرفت به‌ویژه در عرصه علوم اجتماعی خواهد داشت. بدیهی است که این روش خود را به گزاره‌های تجربی محدود نمی‌کند؛ بلکه دانش مناسب خود را تولید می‌کند و در رویکرد انتقادی خود از دو منبع وحی و عقل عملی در کنار عقل نظری بهره می‌گیرد.^۱

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا نقد اندیشه‌های حنفی در غرب‌شناسی به‌خصوص در بازسازی میراث اسلامی در این چهارچوب روشی انجام پذیرد. با توجه به لغزش‌های فراوان در طرح «تراث و تجدد» حنفی نقد مستمر و گام به گام آن در موضوعات مختلف را گریزناپذیر نموده است؛ البته تمامی این نقدها با توجه به روش رئالیستی صراحتی و براساس اصول و مبانی آن صورت می‌گیرد.